

شرایط رأی دادن

۱- تابعیت فرانسه

بموجب ماده ۴ قانون اساسی فرانسه که فوقاً اشاره شد اتباع بالغ فرانسه اعم از مرد و زن حق دارند در انتخابات شرکت کنند. عده‌ای از علمای حقوق اساسی فرانسه مدعی هستند که ماده ۴ مذکور در فوق بدون اینکه فرقی بین تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی قائل شود حق شرکت در انتخابات را منوط به داشتن تابعیت فرانسه دانسته است. علمای مزبور ماده ۴ قانون اساسی را مستند قرار داده چنین اظهار نظر میکنند که از لحاظ رأی دادن هیچگونه محدودیتی برای اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل کرده‌اند وجود ندارد و آنها نیز مانند اتباع اصلی فرانسه میتوانند نماینده انتخاب کنند. و اما جمعی دیگر از علماء از جمله ژرژ ویدل (۱) استاد دانشکده حقوق پاریس و تولوز (۲) با استناد اینکه ماده ۴ قانون اساسی اعمال حق رأی را موکول به عدم محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی دانسته است و با توجه به مقررات مربوطه قانون تابعیت فرانسه و امریه مورخ ۱۹/۱۰/۱۹۴۵ چنین اظهار نظر میکند اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل کرده‌اند در مدت ۵ سال از تاریخ صدور سند تابعیت نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند.

بموجب ماده ۴ قانون اساسی ۱۹۴۶ نه تنها اتباع فرانسه بلکه بومیان مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومیت فرانسه نیز میتوانند در انتخابات پارلمان فرانسه شرکت کنند و اما مقرراتی که در ولایات اروپائی فرانسه اجرا میشود شامل نواحی غیر اروپائی نبوده بلکه مقررات خاصی که منطبق با درجه تمدن و رشد سیاسی سکنه آن سرزمینهاست وضع و بموقع اجرا گذاشته شده است بشرح اینکه در قسمت اعظم مستملکات و کشورهای تحت قیمومیت برای اتباع فرانسه حوزه‌های مخصوص دائر است. در الجزایر زنان مسلمان از حق شرکت در انتخابات محرومند. در ماداگاسکار (۳) و مستعمره افریقای غربی (۴) و افریقای استوایی (۵) و کامرون (۶) و توگو (۷)

Toulouse - ۲

Georges Videt - ۱

Madagascar - ۳

Afrique Occidentale Française - ۴

Afrique Equatoriale Française - ۵

Togo - ۷

Cameroun - ۶

و پاره مستعمرات دیگر در انتخابات پارلمان فرانسه فقط اشخاصی میتوانند شرکت نمایند که مالک اموال غیر منقول میباشند یا اشتغال بمشاغل معینی دارند یا خدمت سربازی را انجام داده اند و یا دارای نشان و جواز رانندگی میباشند. و اما انتخابات در مستعمره مارتینیک، گوادلوپ گیان - لاری اونیون و هندوچین تابع همان مقرراتی است که در ولایات اروپائی فرانسه اجری میشود.

۲ = سن

مطابق ماده ۴ قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه در انتخابات فقط اتباع بالغ فرانسه اعم از مرد و زن شرکت میکنند و چون قانون مدنی فرانسه کسانی را بالغ میدانند که دارای ۲۱ سال عمر میباشند از این رو حق رأی اختصاص با اشخاصی دارد که به سن ۲۱ سالگی رسیده باشند و اما بموجب قانون ۲ ماه مه ۱۹۴۶ اشخاصی که دارای بعضی نشانها میباشند در سن ۱۸ سالگی میتوانند از حق رأی استفاده کنند.

۳ - توطن (۱) - اقامت (۲) - پرداخت مالیات مستقیم.

انتخاب کنندگان باید در حوزه انتخابیه متوطن یا لا اقل ۶ ماه متوالی در آن حوزه اقامت داشته باشند و اما مستخدمین دولت در محل خدمت خود از شرط اقامت شش ماهه مستثنی بوده حق دارند پس از ورود به محل خدمت خود در انتخابات شرکت کنند. به علاوه اشخاصیکه در ظرف ۵ سال در حوزه ایکه محل سکونت دائمی یا اقامت شش ماهه آنها نیست مالیات مستقیم یا مالیات برای نگاهداری جاده های محلی بصورت پول یا جنس (۳) میپردازند حق دارند در انتخابات آن حوزه رأی دهند.

اشخاص ذیل از رأی دادن ممنوعند:

۱- مجانین. و اما زوال عقل باید بوسیله مقامات صلاحیتدار قضائی به ثبوت برسد بطوریکه نه شهربانی و نه ژاندارمری و مقامات دیگر مجاز نیستند اشخاصی را که واجد شرائط قانونی میباشند به بهانه زوال عقل از شرکت در انتخابات محروم کنند.

۲- بموجب ماده ۵۱۳ قانون مدنی فرانسه اشخاصیکه تحت ولایت بوده و از

۲- résidence

۱- domicile

۳- prestation en nature

تصرف در اموال خود ممنوعند نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند .

۳- مطابق فرمان اساسی مورخ ۲ فوریه ۱۹۴۵ و فرمان عادی مورخ ۱۴ اوت همانسال که فعلاً بقوت و اعتبار خود باقی است تجاریکه طبق احکام دادگاههای فرانسه یا احکام محاکم خارجی که در فرانسه قابل اجراست و رشکسته به تقصیر اعلام شده اند بطور دائم از شرکت در انتخابات محرومند . توضیح اینکه تا اوائل قرن بیستم در فرانسه و رشکستگان به تقصیر بطور مطلق از حق رأی محروم بودند ولی بموجب قانون مصوب ۱۹۰۴ اشخاص مزبور فقط در ظرف مدت ۱۰ سال مجاز نبودند در انتخابات شرکت جویند و بالاخره قانون مورخ ۱۹۰۸ این محرومیت را محدود به ۳ سال نمود .

۴- بموجب امریه اساسی مورخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ و امریه مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۵

اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات محرومند :

الف - کسانیکه طبق احکام قطعی دادگاهها با اتهام دزدی ، کلاهبرداری ، خیانت در امانت ، اختلاس اموال دولتی ، عملیات ضد عفت و اخلاق عمومی محکوم شده اند بطور دائم از شرکت در انتخابات ممنوعند .

ب - اشخاصیکه با اتهام ارتکاب جنسایت یا جنحه به متجاوز از سه ماه حبس محکوم شده اند بطور دائم از دادن رأی محرومند و اما کسانیکه به سه ماه یا کمتر از سه ماه حبس یا پنجاه هزار فرانک جریمه محکوم شده اند فقط در ظرف پنج سال نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند .

ج - کسانیکه بموجب احکام دادگاهها از حق رأی محروم شده اند بطور دائم نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند (فرمان مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۵) .

صورت رأی دهندگان (۱)

در فرانسه مانند قاطبه ممالک مقامات وابسته از اشخاصیکه واجد شرائط رأی دادن میباشد صورت برداری کرده و صورتهای تنظیمی را منتشر مینمایند . کسانیکه جزء صورت هستند حق دارند نه تنها در انتخابات مجلس ملی بلکه در انتخابات شوراهای ولایتی و انجمنهای شهر و شوراهای محلی دیگر شرکت کنند و همچنین میتوانند در فراندوم رأی دهند . بکنفر انتخاب کننده مجاز است اسم خود را در حوزه ایکه محل سکونت دائمی او است یا محلی که لااقل ۶ ماه بطور متوالی

اقامت داشته است به ثبت برسانند و نیز یک نفر انتخاب کننده حق دارد در حوزه ای که در ظرف ۵ سال مالیات مستقیم یا مالیات برای نگاهداری طرق محلی پرداخته است اسم خود را در صورت رأی دهندگان ثبت کند. انتخاب کننده فقط در یکی از حوزه های سه گانه مزبور میتواند رأی بدهد و از رأی دادن در بیشتر از یک حوزه انتخابیه ممنوع است.

اشخاصی که در خارج فرانسه اقامت دارند بمنظور شرکت در انتخابات اسم خود را با رعایت مقررات مندرج در امریه مورخ ۷ ژوئن ۱۹۴۵ به ثبت میرسانند. بموجب قانون مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۴۶ نظامیان در محل تولد خود و ملوانان و افراد خانواده آنها که در کشتی اقامت دارند در بنادر دریائی یا شطی ثبت نام میکنند.

سالی یکبار از اول تادهم ژانویه در هر یک از حوزه های انتخابیه هیئتی موسوم به کمیسیون اداری تجدید نظر (۱) مرکب از شهردار [دهدار] (۲) یک نفر نماینده انجمن شهر (۳) [شورای دهستان] (۴) و یک نماینده فرماندار یا بخشدار در صورت های دائمی تجدید نظر کرده متوفیان و اشخاصی را که در خلال سال گذشته بعلمت ترك تابعیت، ورشکستگی، محکومیت، مجرومیت از تصرف در اموال خود یا علل قانونی دیگر از حق رأی دادن ممنوع گردیده اند از صورت مورد تجدید نظر خارج و بالعکس اشخاصی را که در نتیجه تحصیل تابعیت فرانسه، رسیدن به سن قانونی، اقامت شش ماهه در حوزه انتخابیه و غیره واجد حق رأی دادن شده اند در صورت میکنند. صورت های اصلاح شده تاییستم ژانویه جهت انتشار به رئیس شهرداری [دهدار] تسلیم میشود. در مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار صورت مزبور، فرماندار بخشدار و اشخاصی که اسامی آنها به ثبت نرسیده است میتوانند به هیئت دیگری موسوم به کمیسیون شهرداری تجدید نظر (۵) مرکب از اعضای کمیسیون اداری تجدید نظر و دو عضو دیگر که از طرف انجمن شهر یا شورای دهستان انتخاب میشوند مراجعه و تقاضای تجدید نظر در تصمیمات کمیسیون بدوی را بکنند. اشخاص ثالث نیز حق دارند از کمیسیون مزبور درخواست کنند اسامی افرادی را که برخلاف مقررات قانونی به ثبت رسیده است از صورت

۱ - commission administrative de revision

۳ - conseil municipal

۲ - maire

۴ - conseil communal

۵ - conseil municipal de revision

مورد تجدید نظر حذف کند. تصمیمات کمیسیون پنج نفری که بمنزله يك دادگاه اداری است باید مستدل و مستند به مواد قانونی بوده و به متقاضیان ابلاغ گردد.

فرماندار، بخشدار و اشخاص ذی‌علاقه در ظرف ۵ روز از تاریخ صدور قرار کمیسیون مزبور حق دارند به دادگاه بخش مراجعه و اصلاح صورت مورد بحث را درخواست کنند. دادگاه در ظرف ۶ روز از تاریخ وصول تقاضای فرماندار، بخشدار و اشخاص ذی‌علاقه موضوع را مورد رسیدگی قرار داده حکم مقتضی صادر و ابلاغ میکند. حکم دادگاه بخش قابل رسیدگی تمیزی است بدین معنی که متقاضیان میتوانند در ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم دادگاه مزبور نقض آن حکم را از دیوان کشور تقاضا کنند و دیوان کشور در این مورد مانند موارد دیگر موضوع را از نظر رعایت یا عدم رعایت مقررات قانونی مورد رسیدگی قرار داده حکم دادگاه بخش را ابرام یا نقض میکند. کلیه اقدامات مذکور در فوق باید تا ۳۱ ماه مارس پایان یابد و در تاریخ مزبور کمیسیون بدوی تجدید نظر باید در نظر گرفتن تصمیمات کمیسیون پنج نفری و احکام دادگاه بخش و دیوان کشور صورت قطعی رأی دهندگان را تنظیم و به فرماندار ابلاغ میکند. به اشخاصی که جزء صورت هستند ورقه مخصوصی موسوم به کارت انتخاباتی (۱) داده میشود که با ارائه آن ورقه در انتخابات شرکت کنند.

اصولا صورت رأی دهندگان که در آخر ماه مارس منتشر میشود تا آغاز سال جدید تغییر ناپذیر است بدین معنی تنها اشخاصی که اسامی آنها در صورت مزبور به ثبت رسیده است میتوانند در انتخابات شرکت کنند و اما در چند مورد استثنائی صورت مورد بحث قابل اصلاح است. مورد اول اینکه مقامات مربوطه وظیفه دارند اسامی اشخاصی را که بعد از ۳۱ مارس فوت کرده‌اند از صورت خارج کنند. مورد دوم آنکه مقامات مزبور اسامی کسانی را که بموجب احکام قطعی دادگاه‌های صلاحیت دار صادره بعد از ۳۱ مارس از حق رأی دادن محروم گردیده‌اند از صورت رأی دهندگان حذف میکنند. يك مورد دیگر اینکه مقامات مربوطه يك صورت فرعی از اسامی افرادیکه بعد از انتشار صورت‌های نهائی واجد شرایط رأی دادن شده‌اند تنظیم و منتشر میکنند که در نتیجه اشخاصی که جزء صورت مزبور هستند میتوانند از حق رأی استفاده کنند بعلاوه مستخدمین دولت که بعد از آخر ماه مارس تغییر مأموریت پیدا کرده‌اند

اسامی خود را در صورت فرعی به ثبت رسانیده و در انتخابات شرکت می نمایند .

شرایط انتخاب شدن

نمایندگان مجلس ملی علاوه بر شرایطی که در قانون انتخابات برای رأی دادن مقرر گردیده است باید ۲۳ سال تمام عمر داشته باشند در صورتیکه در دوره جمهوری سوم (از سال ۱۸۷۵ تا سنه ۱۹۴۰) برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان داشتن ۲۵ سال عمر ضروری بود . علاوه بر این اشخاصیکه تابعیت فرانسه را قبول کرده اند در ظرف ۱۰ سال از تاریخ صدور فرمان تابعیت نمیتوانند به عضویت مجلس ملی و شورای جمهوری انتخاب شوند .

شرط دیگری که برای انتخاب شدن ضرورت دارد انجام مقررات مربوط به نظام وظیفه میباشد . امریه مورخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵ ریاست حکومت موقت فرانسه که فعلا نیز مجری است به نظامیان اجازه میدهد که تحت شرایط معینی به نمایندگی انتخاب شوند .

اشخاص ذیل از حق انتخاب شدن محرومند :

۱- افراد خانواده های بوربون و ناپلئون که در فرانسه سلطنت کرده اند (قانون ۲۲ ژوئن ۱۸۸۶) .

۲- نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنای سابق که در جلسه دهم ژوئیه ۱۹۴۰ اختیارات فوق العاده به مارشال پتن تفویض کرده بودند (قانون ۸ اکتبر ۱۹۴۶) . اشخاص مذکور در فوق نمیتوانند به عضویت شورای جمهوری و مجمع اتحاد فرانسه و شورای اقتصادی و حتی انجمنهای ولایتی و انجمنهای محلی دیگر نیز انتخاب شوند .

۳- نمایندگان مجلس ملی و شورای جمهوری که اعتبارنامه های آنها از طرف مجلس مربوطه رد و خودشان بانهام تخلف در انتخابات محکوم شده باشند بطور موقت از حق انتخاب شدن محروم میشوند .

۴- بعضی از مأمورین دولت و نظامیان و قضات در محل مأموریت خود از انتخاب شدن ممنوعند .

اشخاص فوق الذکر از حق انتخاب شدن مطلقا محرومند بدین معنی که اگر به نمایندگی تعیین شدند انتخاب آنها کان لم یکن و بلا اثر میباشد ولی اشخاصی نیز

هستند که بواسطه شغلشان نمیتوانند وظایف نمایندگی را بعهده بگیرند و چنانچه انتخاب شدند انتخاب آنها صحیح است ولی برای احراز مقام نمایندگی باید از شغل خود استعفا دهند. بطور کلی مشاغل دولتی بانمایندگی مجالس مقننه قابل جمع نیست بدین معنی اشخاصیکه بخدمات دولتی اشتغال دارند از لحاظ وضع قوانین و نظارت در اعمال وزراء نمیتوانند استقلال و آزادی لازم داشته باشند و از طرفی هم مستخدمین دولت بواسطه شغل خود وقت نخواهند داشت که در جلسات مجلس و کمیسیونها و شعبات آن حضور بهم رسانیده وظایف نمایندگی را آنطوریکه باید و شاید انجام دهند. در فرانسه کنونی مستخدمین دولت حق دارند به نمایندگی پارلمان انتخاب شوند ولی نمیتوانند در عین زمان هم مستخدم و هم نماینده باشند. نظامیان نیز میتوانند به نمایندگی انتخاب شوند ولی مجاز نیستند در آن واحد هم نماینده و هم در صنف نظام باشند (امریه مورخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵). بعلاوه بر طبق قانون مصوب ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ مدیران و بازرسان مؤسساتیکه بادولت فرانسه قراردادهای مقاطعه کاری منعقد نموده اند یا روابط مالی دیگر با دولت مزبور دارند و همچنین مدیران و بازرسان بانکهای پس انداز نمیتوانند باحفظ شغل خود در مؤسسات مزبور وظایف نمایندگی را انجام دهند. بعلاوه بر طبق قانون مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۸ مدیران و بعضی کارکنان مؤسسات ملی شده از قبیل بانک فرانسه (۱) کردی لیونه (۲) سوئیتته ژنرال (۳) و معادن ذغال سنک شمال و پادوکاله (۴) و مؤسسات تولید برق و گاز نمیتوانند عضویت پارلمان را عهده دار شوند مگر قبلا از شغل خود در مؤسسات مزبور استعفا بدهند. و اما قانون مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ که در فرانسه کنونی نیز مجری است به وزراء و معاونین و زارتخانهها و استادان دانشگاهها و اشخاصیکه از طرف دولت مأموریت موقت (حداکثر برای مدت شش ماه) پیدا میکنند اجازه میدهد که باحفظ شغل خود نمایندگی پارلمان را عهده دار شوند. قانون ۱۹۲۸ مأموریت شش ماهه را قابل تمدید نمیدانست ولی قانون مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۴۶ بدولت اجازه میدهد که چنانچه مصالح کشور ایجاب کند مأموریت موقت شش ماهه را برای شش ماه دیگر تمدید کند. و اما بطوریکه در بالا بیان گردید قبل از تصویب قانون ۱۹۲۸ نه تنها وزراء

و معاونین وزارتخانه‌ها و استادان دانشگاه‌ها و اشخاصیکه مأموریت موقت پیدا می‌کردند بلکه جمعی از مأمورین عالی‌مقام دیگر نیز منجمله رئیس کل و دادستان دیوان کشور و دیوان محاسبات و دادگاه استیناف پاریس، سفرای کبار، و وزرای مختار، فرماندار ولایت سن (۱) رئیس شهربانی پاریس و پاره‌ی مأمورین عالی‌رتبه دیگر مجاز بودند در عین زمان هم مأموریت دولت و هم عضویت مجلس مبعوثان یا مجلس سنا را داشته باشند.

احوال انتخابات

۱- بموجب ماده ۶ قانون اساسی ۱۹۴۶ انتخابات مجلس ملی فرانسه مستقیم است بدین معنی اشخاصیکه واجد شرائط قانونی می‌باشند مستقیماً و بلاواسطه نمایندگان آن مجلس را انتخاب می‌کنند. انتخابات شوراهای ولایتی و شوراهای محلی دیگر نیز مستقیم است در صورتیکه بر طبق ماده ۶ مذکور در فوق انتخابات شورای جمهوری مع‌الواسطه و غیر مستقیم می‌باشد. و همچنین بموجب ماده ۶۷ قانون اساسی مورد بحث انتخابات مجمع اتحادیه فرانسه بدو درجه است. سابق بر این در قسمت اعظم کشورها انتخابات بدو درجه و حتی در روسیه تزاری به سه و چهار درجه بود. توضیح اینکه بموجب قانون انتخابات مورخ ۳-۱۶ ژوئن ۱۹۰۷ کلیه انتخاب کنندگان روسیه به چهار طبقه زیر تقسیم می‌شدند:

اولا - ملاکین، ثانیاً - سکنه شهرها، ثالثاً - زارعین، رابعاً - کارگران. برای هر یک از طبقات چهار گانه ترتیب مخصوصی مقرر گردیده بود. برای ملاکین انتخابات بدو درجه بود بدین معنی که آنها در مرکز حوزه‌های اختصاصی خود جمع شده مطابق جدول منضم بقانون انتخابات یک عده را انتخاب مینمودند و اشخاصیکه بدین ترتیب انتخاب می‌شدند بامنتخبین سه طبقه دیگر در مراکز ولایتی تشکیل جلسه داده نمایندگان مجلس دوما (۲) را انتخاب می‌کردند. انتخابات سکنه شهرها بدو درجه کارگران سه و زارعین به چهار درجه بود.

وامادر نتیجه توسعه فرهنگ عمومی و تقویت رژیم دمکراسی انتخابات غیر مستقیم از بین رفته و انتخابات مستقیم جانشین آن گردید بطوریکه اکنون در قسمت اعظم

ممالك دنيا رأی دهندگان مستقیماً و بلاواسطه نمایندگان هر دو مجلس را انتخاب میکنند و فقط در بعضی ممالك انتخابات مجالس عالی (سنا) بطور غیر مستقیم بعمل میآید.

۲- طبق ماده ۳ قانون اساسی ۱۹۴۶ انتخابات مجلس ملی فرانسه مخفی است در صورتیکه مخفی بودن انتخابات شورای جمهوری در قانون اساسی منظور نگردیده است. عده‌ای از حقوقدانان نامی و رجال سیاسی معروف قرن هیجدهم و نوزدهم از قبیل منتسکیو (۱) جون ستوارت میل (۲) و بیسمارک (۳) با انتخابات مخفی مخالفت کرده مدعی بودند که رأی علنی جرأت و شهامت رأی دهندگان را تقویت مینماید و از انتخاب اشخاص ناپاک و نالایق جلوگیری میکند ولی علمای حقوق و سیاستمداران عصر حاضر دلایل علما و رجال فوق‌الذکر را رد نموده چنین استدلال میکنند که با اجرای انتخابات علنی قسمت اعظم انتخاب کنندگان مانند مأمورین دولت و کارگران و مستخدمین تجار تنخانه‌ها و مؤسسات صنعتی و غیره تحت نفوذ رؤسا و کارفرمایان خود قرار گرفته و در دادن رأی آزادی نخواهند داشت و روی همین اصل غیر قابل انکار است که تمام ممالك امروزه انتخابات مخفی را معمول میدارند.

۳- انتخابات مجالس مقننه ممکن است الزامی یا اختیاری باشد. در ترتیب اول رأی دادن يك وظیفه اجتماعی شناخته شده و اشخاصیکه بدون عذر و وجه از شرکت در انتخابات خودداری میکنند مورد توبیخ واقع میگردند یا محکوم به پرداخت جریمه میشوند و در صورت تکرار بطور موقت یا دائم از حق رأی محروم میگردند. در ترتیب دوم شرکت در انتخابات يك نوع حقی است و اشخاصیکه دارای این حق میباشند مجاز و مختارند از اعمال آن خودداری کنند. چون در قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه اصلی دایر بر اجباری بودن انتخابات مجلس ملی وجود ندارد از این رو رأی دهندگان مجازند از شرکت در انتخابات مجلس مزبور امتناع کنند و اما انتخابات شورای جمهوری فرانسه اجباری است بدین معنی که منتخبین درجه اول ملزمند در انتخابات درجه دوم برای تعیین نمایندگان شورای مزبور حضور بهم رسانند. توضیح اینکه انتخابات اجباری در بلژیک - دانمارک - اکثر ممالك جز، دولت متحده سویس -

آرژانتین و جمعی از کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی مرسوم است .

۴- در فرانسه کنونی انتخابات مجلس ملی و شورای جمهوری و شوراهای محلی روی اصل تساوی رأی دهندگان قرار گرفته است بدین ترتیب که هر يك از انتخاب کنندگان دارای فقط يك رأی میباشد . سابق براین در بعضی کشورها رأی دهنده میتواند در يك حوزه انتخاباتی چند رأی داشته باشد و یا در حوزه های مختلف در انتخابات شرکت کند . رأی متعدد در صورتی معمول بود که انتخاب کننده دارای تحصیلات عالی بود یا شغل مهمی در دستگاه دولتی داشت و یا بالاخره دارای اولاد بود علاوه اشخاصیکه در حوزه های مختلف دارای علاقه ملکي بودند و یا مالیات میپرداختند میتوانند بیشتر از یکبار از حق رأی استفاده کنند . رأی متعدد در فرانسه بموجب قانون ۲۹ ژوئن ۱۸۲۰ برقرار گردیده بود بدین ترتیب اشخاصیکه بیشتر از میزان معین مالیات مستقیم میپرداختند مجاز بودند دو دفعه رأی دهند . رأی متعدد در فرانسه تا ۱۸۳۰ معمول بوده و در آن تاریخ ملغی گردید . رأی متعدد در بلژیک نیز مرسوم بود بشرح اینکه طبق قانون انتخابات مورخ ۱۸۹۳ هر يك از اتباع ذکور بلژیک که ۲۵ سال عمر و شش ماه اقامت متوالی در حوزه انتخاباتی داشت دارای يك رأی بود ولی اشخاص ذیل علاوه بر رأی اصلی يك رأی اضافی داشتند :

الف - کسانی که اموال غیر منقول یا اوراق قرضه دولت بلژیک را بمبلغ سی هزار فرانک دارا بودند .

ب - اشخاصیکه سالیانه لااقل پنج هزار فرانک مالیات میپرداختند .

ت - افرادی که ۳۵ سال عمر و يك یا چند اولاد داشتند .

بموجب قانون مذکور در فوق اشخاصیکه دارای شناسنامه مدارس عالی بودند یا شغل مهمی در ادارات دولتی داشتند در انتخابات مجلس نمایندگان و مجلس سنا علاوه بر رأی اصلی دارای دو رأی اضافی بودند . رأی متعدد در بلژیک بموجب قانون انتخابات ۱۹۱۹ موقوف شده و اصل برابری رأی دهندگان برقرار گردید . در انگلستان نیز رأی متعدده معمول بود و اعمال این حق از این لحاظ آسان بود که در کشور نامبرده انتخابات مجلس عوام در یکروز بعمل نمیآمد . قوانین انتخابات مورخ ۱۸۳۲ و ۱۸۶۷ و ۱۸۸۴ انگلستان رأی متعدد را تایید کرده و به انتخاب کنندگان اجازه میداد که مانند سابق در حوزه های مختلف رأی بدهند و اما قانون انتخابات مورخ ۶ فوریه

۱۹۱۸ رأی متعدد را محدود به دو مورد نموده است مورد اول اینکه اشخاص مجازند هم در محل اقامت و هم در محل کار خود رأی دهند مورد دوم آنکه کارکنان دانشگاهها دارای دو رأی بوده یکی را در حوزه دانشگاهی و رأی دوم را در حوزه عمومی میدهند. بطوریکه در کتاب حقوق اساسی (چاپ پنجم صفحه ۱۷۸) نویسنده بیان گردیده است عده ای از علمای حقوق و علم الاجتماع و همچنین جمعی از رجال سیاسی پیشنهاد کرده و میکنند که در انتخابات پارلمانی بجای رأی فردی رأی خانوادگی (۱) معمول گردیده و رئیس خانواده به نسبت عده افراد خانواده خود حق رأی داشته باشد. رأی خانوادگی بین نویسندگان و رجال سیاسی فرانسه طرفدار بسیار دارد زیرا بدین وسیله میخواهند موجبات ازدیاد جمعیت فرانسه را که افزایش قابل ملاحظه ای نشان نمیدهد فراهم سازند. رأی خانوادگی اهمیت نظری داشته و تا بحال در هیچیک از ممالک دنیا عملی نگردیده است. موضوع رأی متعدد در مجلس مؤسسان اخیر فرانسه مطرح و اکثر نمایندگان آنرا منافی با اصل انتخابات مساوی دانسته و از قبول آن خودداری کردند.

انتخابات کلی و فرعی

بموجب ماده ۳۶ قانون انتخابات ۵ اکتبر ۱۹۴۶ نمایندگان مجلس ملی برای مدت ۵ سال انتخاب میشوند. شصت روز مانده به آخر دوره قانونگذاری فرمان تجدید انتخابات از طرف رئیس جمهور صادر میشود و در پنجمین یکشنبه از تاریخ انتشار فرمان ریاست جمهور انتخابات باید انجام یابد (ماده ۶ قانون ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵ و ماده ۴ قانون انتخابات مورخ ۵ اکتبر ۱۹۴۶).

در صورت انحلال مجلس ملی انتخابات لااقل ۲۰ روز و حداکثر ۳۰ روز از تاریخ صدور فرمان انحلال بعمل آمده و نمایندگان جدیداً انتخاب باید در سومین سه شنبه بعد از انتخابات اولین جلسه مجلس را تشکیل دهند (ماده ۵۲ قانون اساسی ۱۹۴۶).

در صورت ابطال انتخابات یکی از حوزهها انتخاب نمایندگان جدید آن حوزه در ظرف ۲ ماه از تاریخ ابطال عملیات انتخاباتی بعمل میآید (ماده ۱۸ قانون انتخابات ۵ اکتبر ۱۹۴۶).

چنانچه در حوزه‌هاییکه انتخابات فردی است یکی از نمایندگان مجلس ملی استعفا کند، فوت شود یا بعزل و جهاتی از مجلس برکنار شود و بیش از ۶ ماه به آخر دوره قانونگذاری باقی باشد بجای او نماینده دیگر انتخاب میشود. (ماده ۱۶ قانون ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ و ماده ۷ قانون ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵).

در صورت فوت استعفایا عدم صلاحیت یکی از نمایندگان حوزه‌ایکه انتخابات جمعی را معمول میدارد کسی که پس از نماینده مزبور جزء لیست مربوطه میباشد تا آخر دوره قانونگذاری نماینده میشود (قانون ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶).

اعلام نامزدی

در قسمت اعظم ممالک معمول این است که چند روز قبل از انتخابات پارلمانی داوطلبان و کالت شخصاً یا بوسیله عده‌ای از هم‌مسلمان خود اعلام نامزدی (۱) میکنند. داوطلبان نمایندگی در پاره‌ی ممالک بوزارت کشور و در برخی کشورها به فرمانداری یا انجمن نظارت انتخابات اعلام نامزدی مینمایند. بدیهی است چنانچه شخصی که اعلام نامزدی میکند از لحاظ تابعیت، سن، محکومیت یا عزل و جهات دیگر واجد شرایط انتخاب شدن نباشد در این مورد مقامات مربوطه حق و وظیفه دارند که به تقاضای وی ترتیب اثر نداده از ثبت اسم او خودداری کنند. اثر قانونی اعلام نامزدی این است که فقط اشخاصی را میتوان بوکالت انتخاب نمود که در موعد مقرر اعلام نامزدی کرده و اسامی آنها بعنوان نامزد نمایندگی به ثبت رسیده باشد و اگر در یک حوزه انتخاباتی یک نفر بدون ثبت نام اکثریت آراء را بدست آورد آراء او باطل شناخته میشود. منظور از اعلام نامزدی این است که با انتخاب کنندگان فرصت و مجال تعمق و بررسی در صلاحیت داوطلب نمایندگی و برنامه وی داده شود به علاوه بر اثر اعلام نامزدی سهولت و نظمی در شمارش آراء حاصل میشود. بموجب قانون انتخابات مصوب ۵ اکتبر ۱۹۴۶ فرانسه داوطلبان نمایندگی ملزمند ۲۱ روز لا اقل قبل از تاریخ انتخابات به فرمانداری حوزه مربوطه اعلام نامزدی کنند. هیچکس نمیتواند در چند حوزه انتخاباتی خود را نامزد نمایندگی کند. چنانچه در موضوع اعلام نامزدی اختلافی بین فرماندار و داوطلب و کالت پیش آید در این صورت وی میتواند به شورای ولایتی شکایت کند. شورای ولایتی

موظف است در ظرف سه روز از تاریخ وصول عرضحال مورد اختلاف را رسیدگی کرده و تصمیم قطعی اتخاذ و به شاکی اعلام کند. در ظرف ۴۸ ساعت از تاریخ اعلام نامزدی داوطلب و کالت ملزم است مبلغ ۲۰۰۰۰ فرانک و دیعه نقدی به پیشکار دارائی حوزه انتخاباتی تسلیم کند و این وجه فقط در صورتی قابل استرداد است که کاندیدا های معرفی شده لااقل سه صدم آراء مأخوذه را بدست بیاورند.

تبلیغات انتخاباتی

بموجب فصل پنجم (مواد ۲۴ الی ۳۷) قانون انتخابات مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ احزاب سیاسی که طبق مواد ۵ تا ۷ قانون مزبور اعلام نامزدی کرده اند حق دارند:

- ۱- بمنظور معرفی نامزدهای خود و استماع اظهارات آنها اجتماعاتی تشکیل دهند.
- ۲- با رعایت مقررات مندرج در قانون انتخابات اعلاناتی در ملاء عام نصب کنند و همچنین بیانیه و اوراق رأی (۱) برای انتخاب کنندگان ارسال دارند.
- ۳- بموجب امریه مورخ ۲۶ آوریل و ۲۵ اکتبر ۱۹۴۶ رئیس دولت موقت فرانسه، به احزاب سیاسی اجازه داده شده است که با رعایت اصل تساوی از دستگاه رادیو استفاده کنند.

بمنظور نظارت در عملیات تبلیغاتی احزاب سیاسی در هر يك از حوزه های انتخاباتی کمیسیونی مرکب از رئیس محکمه حقوقی پیشکار دارائی نماینده وزارت پست و نماینده فرمانداری و غیره تشکیل میشود. هزینه تبلیغات انتخاباتی لیستهاییکه سه صدم آراء را تحصیل کرده اند بمهده دولت است.

تقسیم گرسپهای مجلس و طریقه انتخابات

بموجب قانون انتخابات مصوب ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ و قوانین تکمیلی مورخ ۷ اکتبر ۱۹۴۶ و اول آوریل ۱۹۴۸ عده نمایندگان مجلس ملی بالغ بر ۶۲۲ نفر میباشد که ۵۴۴ نفر را ولایات فرانسه اصلی (۲) ۳۰ نفر را ۳ ولایت الجزایر ۱۰ نفر را

۴ مستعمره گوآدلوپ (۱) مارتینیک (۲) گویان (۳) وره اونیون (۴) و بقیه ۳۸ نفر را سایر متصرفات و نواحی تحت قیمومت فرانسه انتخاب میکنند. در فرانسه اصلی هر ولایتی يك حوزه تشکیل میدهد بجز ۷ ولایت وسیع و پر جمعیت سن (۵) نور (۶) بوش دورون (۷) پادوکاله (۸) رون (۹) سن سفلی (۱۰) و سن الوآز (۱۱) که هر يك به چند حوزه تقسیم میشود. شهر پاریس به ۳ حوزه تقسیم شده و ۲۵ نفر نماینده انتخاب میکنند. حومه پاریس نیز به ۳ حوزه تقسیم و ۲۵ وکیل به مجلس ملی میفرستد.

طریقه انتخابات در تمام حوزه ها یکنواخت نیست بدین معنی که در ولایات اروپائی فرانسه و چهار مستعمره مذکور در فوق انتخابات جمعی (۱۲) است در صورتیکه در سایر حوزه ها انتخابات فردی (۱۳) بوده و در هر يك از آنها يك نماینده انتخاب میشود. انتخابات در یکروز (یکشنبه) از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر بعمل میآید. در هر کزهر يك از بلوکات (۱۴) جزء حوزه انتخاباتی يك دفتر رأی (۱۵) دائر میشود ولسی فرماندار میتواند بلوکهای وسیع و پر جمعیت را به چند قسمت تقسیم نموده و در هر يك از آنها يك دفتر رأی دائر کند. برای نظارت در رأی دادن و شمارش آراء مأخوذه در هر يك از دفاتر رأی کمیسیونری بریاست شهردار یا دهمدار و عضویت چهار نفر عضو شورای شهر (شورای دهستان) یا دو نفر از مسن ترین و دو نفر هم از جوانترین رأی دهندگان تشکیل میشود. کمیسیون مزبور با حضور نمایندگان احزاب و دستجاتی که در انتخابات شرکت میکنند اوراق رأی را از صندوق آراء استخراج نموده و شماره اوراق متعلق به هر يك از لیستهای معرفی شده را در صورت مجلس ثبت میکنند. در هر کزهر حوزه انتخاباتی کمیسیونری موسوم بکمیسیون شمارش آراء (۱۶)

Martinique - ۲	Guadeloupe - ۱
Réunion - ۴	Guyane - ۳
Nord - ۶	Seine - ۵
Pas - de - Calais - ۸	Bouches du Rhône - ۷
Seine - Inférieure - ۱۰	Rhône - ۹
	Seine - et - Oise - ۱۱
	vote plurinominal ou scrutin de liste - ۱۲
	commune - ۱۴
	vote uninominal - ۱۳
commission de recensement - ۱۶	bureau électoral - ۱۵

مرکب از رئیس محکمه حقوقی، دو نفر قاضی با انتخاب رئیس کل محاکم استیناف، یک عضو شورای ولایتی و یک نماینده فرمانداری تشکیل میشود. این کمیسیون وظیفه دارد که پس از شمارش آراء مأخوذه در تمام حوزه نتیجه انتخابات را اعلام کند. در حوزه هائیکه انتخابات جمعی است کرسیها به نسبت آرائیکه هر یک از احزاب بدست آورده اند تقسیم میشود. فرض کنیم در یک حوزه که پنج نفر نماینده انتخاب میکنند ۱۶۰۰۰۰ نفر رأی میدهند. برای تشخیص «خارج قسمت انتخاباتی» باید عده رأی دهندگان را بر تعداد کرسیها تقسیم کرد.

$$\frac{160000}{4} = 40000$$

فرض کنیم چهار حزب آراء ذیل را بدست آورده اند:

۶۵۰۰۰	لیست نهضت جمهوری مردم
۴۵۰۰۰	لیست رادیکال سوسیالیست
۳۰۰۰۰	لیست کمونیست
۲۰۰۰۰	لیست سوسیالیست

نظر باینکه لیست نهضت جمهوری مردم ۶۵۰۰۰ رأی تحصیل کرده است کرسی اول به لیست مزبور داده میشود و کرسی دوم به لیست رادیکال سوسیالیست که دارای ۴۵۰۰۰ رأی میباشد واگذار میگردد و چون لیست کمونیست و لیست سوسیالیست اولی فقط ۳۰۰۰۰ و دومی ۲۰۰۰۰ رأی دارند از این رو این دو لیست در وهله اول فاقد کرسی میشوند. برای واگذاری کرسیهای باقیمانده باید تعداد آراء هر یک از لیستهای چهارگانه را بر تعداد کرسیهایی که به هر یک از آنها داده شده بعلاوه یک تقسیم کرد.

در مثال بالا باید بترتیب ذیل عمل کرد:

$\frac{65000}{1+1} = 32500$	لیست نهضت جمهوری مردم
$\frac{45000}{1+1} = 22500$	لیست رادیکال سوسیالیست
$\frac{30000}{1} = 30000$	لیست کمونیست
$\frac{20000}{1} = 20000$	لیست سوسیالیست

بنابراین کرسی سوم به حزب نهضت جمهوری مردم و کرسی چهارم به حزب کمونیست که دارای زیادهترین معدل (۱) میباشد داده میشود و حزب سوسیالیست که دارای فقط ۲۰۰۰ رأی میباشد از داشتن نماینده در مجلس محروم میشود. کرسیهای مجلس به همان ترتیبی که اسامی کاندیدها در لیستهای معرفی شده ثبت گردیده است به آنها تعلق دارد.

در حوزه هائیکه انتخابات فردی است بنماینده گی کسانی انتخاب میشوند که دارای اکثریت مطلق یعنی نصف بعلاوه يك آراء مأخوذه میباشد و در صورت عدم حصول اکثریت مطلق انتخابات تجدید میشود و این دفعه برای انتخاب شدن اکثریت نسبی کافی است. ترتیب مذکور در فوق با حزب میانه رو اجازه میدهد که در فاصله دو دور رأی با هم ائتلاف کرده احزاب افراطی را از داشتن کرسی پارلمانی محروم کنند. طرفداران انتخابات جمعی تناسبی انتخابات فردی با اکثریت آراء را برخلاف عدالت اجتماعی دانسته و متذکر میگرددند که پارلمان باید نماینده گی تمام مردم را داشته باشد و در غیر این صورت یعنی اگر قسمتی مهم از رأی دهندگان از داشتن نماینده در پارلمان محروم گردند قوانین مصوب مورد قبول تمام دستجات مردم واقع نخواهد گردید و بدیهی است که این امر اثرات نامطلوبی از لحاظ حفظ صلح و آرامش داخلی در بر خواهد داشت. و اما هواداران ترتیب انتخابات فردی با اکثریت آراء اینطور استدلال میکنند که در نتیجه اجرای انتخابات جمعی تناسبی فرا کسیونهای متعدد در پارلمان تشکیل خواهد یافت و این امر مانع از ایجاد اکثریت ثابت و قوی خواهد گردید که نتیجتاً دولت دائماً و همیشه متزلزل گردیده و نخواهد توانست دست باصلاحات اساسی که مستلزم مجال و فرصت کافی میباشد بزند. انتخابات فردی با اکثریت آراء که در انگلستان و ممالک متحده امریکای شمالی معمول میباشد مؤید این مدعی است.

مبحث دوم

انتخابات شورای جمهوری

ماده ۶ قانون اساسی ۱۹۴۶ راجع به طریقه انتخاب نمایندگان شورای جمهوری

چنین مقرر میدارد:

« شورای جمهوری را هیئت‌های بلوکی و ولایتی از طریق انتخابات عمومی غیر مستقیم تعیین میکنند معذک خود مجلس میتواند قسمتی از اعضای شورای جمهوری را انتخاب کند بشرط اینکه عده‌ایکه از طرف مجلس مزبور تعیین میشود از يك ششم مجموع نمایندگان شورای نامبرده تجاوز نکند. شورای جمهوری نباید کمتر از ۲۵۰ و بیشتر از ۳۲۰ نماینده داشته باشد » .

ماده مورد استناد دوره نمایندگی شورای جمهوری را معین نمیکنند ولی مقرر میدارد که انتخاب نصف نمایندگان شورای مزبور در ظرف مدتی که قانون معین خواهد کرد تجدید میشود. ماده ۶ قانون اساسی به ذکر این چند نکته اکتفا کرده حل و فصل سایر مسائل مربوط به انتخابات شورای جمهوری را به قانون انتخابات موکول نموده بود. قانون مورد نظر در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ به تصویب مجلس ملی (مؤسسان) رسید و اولین شورای جمهوری مطابق همین قانون انتخاب شد و نظر بماده ۱۰۲ قانون اساسی شورای مزبور بایستی یکسال بعد از تجدید انتخابات شوراهای بلوکی تجدید شود و شوراهای اخیرالذکر هم قرار بود در ظرف یکسال از تاریخ انتشار قانون اساسی جدید انتخاب شود.

قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶

بموجب قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ شورای جمهوری دارای ۳۱۵ نفر عضو بود بشرح زیر :

۱- ۲۰۰ نفر که هیئت‌های محلی ولایات اروپائی فرانسه و چهار ولایت مارتینیک و گوآدلوپ و گیان و ره اوئیون انتخاب میکردند .

۲- ۵۰ نفر که مجلس ملی تعیین میکرد .

۳- ۵۱ نفر که از طرف شوراهای ولایتی فرانسه اروپائی و مستعمره فوق‌الذکر

و نواحی ماوراء بهار انتخاب میشدند .

۴- ۱۴ نفر را هیئت‌های محلی الجزایر انتخاب مینمودند .

در فرانسه اصلی هیئت‌های محلی را اشخاص ذیل تشکیل میدادند :

۱- نمایندگان ولایت مربوطه در مجلس ملی .

۲- اعضای شورای ولایتی .

۳- نمایندگان بلوکات از قرار يك نماينده برای هر سیصد نفر که حق رأی داشتند .

در حوزه‌هاییکه یکنفر نماینده انتخاب میشود انتخابات با کثرت نسبی آراء (۱) بعمل می‌آید و در حوزه‌هاییکه بیشتر از يك نماينده انتخاب میشود انتخابات تناسبی بوده معذلك در قسمت اعظم مستعمرات و نواحی تحت قیمومت فرانسه انتخابات با کثرت آراء بعمل می‌آید و لو اینکه بیشتر از يك نماينده انتخاب می‌کردند .

چون قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ کمتر از ۲ سال دوام داشته و شامل فقط انتخابات دوره اول شورای جمهوری بود از این رو به نکات مذکور در فوق اکتفا نموده به توضیح و تشریح قانون انتخابات ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ که فعلاً مجری است می‌پردازد .

قانون انتخابات ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸

بانوجه بمدلول ماده ۱۰۲ قانون اساسی که فوقاً بیان گردید در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ قانون انتخابات جدید شورای جمهوری به تصویب رسید . قانون انتخابات ۱۹۴۸ حداکثر تعداد کرسیهای مقرر در ماده ۶ قانون اساسی (۳۲۰ کرسی) را بشرح زیر بین ولایات اروپائی و مستعمرات و سایر متصرفات فرانسه تقسیم نموده است :

۱- ولایات اروپائی فرانسه و چهار ولایت مارتینیک و گوآدلوپ و گیان

ورده اونیون ۲۵۳ کرسی

۲- ولایت الجزایر [الجزیره (۲) - اوران (۳) - کنستانتین (۴)] ۱۴

۳- متصرفات ماوراء بهار و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه ۴۴

۴- اتباع فرانسه مقیم مراکش ۳

۵- اتباع فرانسه مقیم تونس ۲

۶- اتباع فرانسه مقیم هندوچین ۱

۷- اتباع فرانسه مقیم ممالک خارجه ۳

طریقه انتخاب نمایندگان شورای جمهوری در حوزه‌های مختلف یکسان

نیست بدین معنی که در هر يك از ولایات اروپائی و ۴ ولایت مذکور در فوق (مارتینیک،

گوآدلوپ، گیان، ره‌اونیون) بمنظور انتخاب اعضای شورای جمهوری هیئتی مرکب از نمایندگان آن ولایت در مجلس ملی و کلیه اعضای شورای ایالتی و نمایندگان شوراهای بلوکی تشکیل میشود. عده نمایندگانیکه شوراهای بلوکی انتخاب میکنند با عده مسکنه آن بلوکات مطابقت دارد. شرکت در انتخابات نمایندگان شورای جمهوری الزامی است.

انتخابات نمایندگان الجزایر و مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه و وکلای اتباع فرانسه مقیم تونس و مراکش و مالک خارجه تابع مقررات ذیل است: از ۱۴ نماینده ۳ ولایت الجزایر ۷ نفرا فرانسویان مقیم آن ولایات و بقیه ۷ نفر را بومیان انتخاب میکنند.

اتباع فرانسه مقیم تونس دو نماینده از بین خودشان انتخاب و بوسیله پست اسامی آنها را به وزارت کشور فرانسه اطلاع میدهند. نامه ارسالی در پاریس باز و اسامی نمایندگانیکه حائز اکثریت میباشند اعلام میشود.

انتخاب ۳ نفر نماینده اتباع فرانسه مقیم مراکش با مجلس ملی است و نیز مجلس ملی از بین اتباع فرانسه مقیم هندوچین یک نفر و فرانسویان مقیم خارجه سه نفر را بعضویت شورای جمهوری تعیین میکند.

انتخاب نمایندگان متصرفات ماوراء بهار و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه بوسیله هیئتهائی مرکب از اعضای مجالس محلی و نمایندگان آن مستعمرات و نواحی تحت قیمومت فرانسه در مجلس ملی، بعمل میآید.

بطوریکه در بالا متذکر گردید از ۳۲۰ نفر نماینده شورای جمهوری مجلس ملی فقط ۷ نفر را بعضویت شورای مزبور تعیین میکند. و اما چون ماده ۶ قانون اساسی به مجلس ملی حق داده است که حداکثر یک ششم نمایندگان شورای جمهوری را انتخاب کند مجلس مزبور میتواند ماده مربوطه قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ را مورد تجدید نظر قرار داده و بیشتر از ۷ نفر بعضویت شورای مزبور بحث انتخاب کند.

شرایط انتخاب شدن به عضویت شورای جمهوری

بموجب ماده ۴ قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ برای انتخاب شدن به عضویت شورای جمهوری داشتن ۳۵ سال عمر ضروری است در صورتیکه برای عضویت مجلس ملی ۲۳ سال تمام کافی است. بعضی اشخاص منجمله افراد ذیل از انتخاب شدن بطور مطلق محرومند:

۱- بموجب ماده ۴ قانون اساسی ۱۹۴۶ اشخاصیکه طبق احکام قطعی دادگاهها از حقوق مدنی و سیاسی محروم گردیده اند حق شرکت در انتخابات مجلس ملی را نداشته و بطریق اولی نمیتوانند به عضویت مجلس مزبور و شورای جمهوری انتخاب شوند.

۲- کسانیکه تابعیت فرانسه را قبول کرده اند در ظرف ده سال از تاریخ صدور فرمان تابعیت از انتخاب شدن به عضویت مجالس محرومند (قانون تابعیت مورخ ۲۶ ژوئن ۱۸۸۹).

۳- افراد خانواده بوربون و ناپلئون (قانون مورخ ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵ و قانون ۲۲ ژوئن ۱۸۸۶).

۴- نمایندگان مجالس سابق فرانسه که در جلسه مورخ دهم ژوئیه مجلس ملی (مؤسسان) اختیارات فوق العاده به مارشال پتن داده بودند (قانون مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۴۶).

۵- نمایندگانیکه اعتبارنامه های آنها رد شده و خودشان با اتهام تخلف در انتخابات محکوم شده اند در ظرف دو سال از تاریخ عدم تصویب اعتبارنامه خود نمیتوانند بنمایندگی انتخاب شوند (قانون ۳۱ مارس ۱۹۱۴).

۶- اشخاصیکه مقررات نظام وظیفه را انجام نداده اند (قانون ۳۱ مارس ۱۹۲۸).

پاره ای از مأمورین کشوری و نظامی و قضات از انتخاب شدن در محل مأموریت خود ممنوع میباشند ولی در حوزه های دیگر میتوانند به عضویت شورای جمهوری و مجلس ملی انتخاب شوند. علت این محرومیت آنست که مأمورین مزبور نتوانند در محل خدمت خود رأی دهندگان را تحت تأثیر قرار داده بنمایندگی انتخاب شوند و اما سایر مستخدمین دولت میتوانند در محل مأموریت خود یا یکی از حوزه های دیگر

قبول نمایندگی کنند ولی باید در ظرف ۸ روز از تاریخ تصویب اعتبارنامه خود تقاضای انتظار خدمت نمایند و گرنه منتظر خدمت شناخته شده و در نمایندگی باقی میمانند و در تمام مدت نمایندگی حق ارتقای رتبه و حق دریافت حقوق بازنشستگی برای آنها محفوظ میباشد منتها در عین زمان نمیتوانند هم مقرری از شورای جمهوری یا مجلس ملی و هم حقوق از خزانه دولت دریافت دارند. چنانچه بکنفر نمایندگی شغل دولتی قبول کند اجباراً از نمایندگی مستعفی میشود. بعلاوه بقسمیکه در بالا متذکر گردیدار باب صنایع و تجاریکه با دولت قراردادهای مقاطعه کاری منعقد کرده اند یا روابط مالی دیگر با دولت دارند و همچنین مدیران و بازرسان بانکهای پس انداز نمیتوانند با حفظ شغل خود در مؤسسات مزبور وظائف نمایندگی را انجام دهند. دلیل این مانع الجمع آنست که اشخاص نتوانند از مقام نمایندگی سوء استفاده کرده در ادارات دولتی عملیاتی بضرر دولت انجام دهند و همچنین مدیران و بعضی کارکنان مؤثر مؤسسات ملی شده که بمنزله مستخدمین دولت میباشد مجاز نیستند عضویت شورای جمهوری و مجلس ملی را عهده دار شوند مگر اینکه بعد از تصویب اعتبارنامه خود از شغل خویش در مؤسسات مزبور استعفا بدهند.

ناگفته نماند که بموجب ماده ۲۴ قانون اساسی ۱۹۲۶ هیچکس نمیتواند در عین زمان نمایندگی مجلس ملی و شورای جمهوری را داشته باشد و همچنین نمایندگان مجالس مزبور مجاز نیستند عضویت شورای اقتصادی و مجمع اتحاد فرانسه را قبول کنند.

فعالیت انتخاباتی داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری

اشخاصیکه در انتخاب نمایندگان شورای جمهوری شرکت میکنند مجازند بعد از صدور فرمان انتخابات اجتماعی تشکیل دهند. در این اجتماعات نمایندگان حوزه مربوطه در مجلس ملی و اعضای شورای ولایتی و نمایندگان شوراهای بلوکی همان حوزه و همچنین داوطلبان عضویت شورای جمهوری میتوانند شرکت کنند و مقامات مربوطه وظیفه دارند که از شرکت افراد دیگر در اجتماعات مزبور جلوگیری نمایند (مواد ۳۳ و ۳۴ قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ شورای جمهوری). داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری ملزمند ده هزار فرانک و دیعه به پیشکار دارائی حوزه

مربوطه تسلیم کنند و این ودیعه در صورتی قابل استرداد است که داوطلب نمایندگی لااقل پنج صدم مجموع آراء مأخوذه را بدست بیاورد. از محل مزبور بیانیتهای (۱) کاندیداها و همچنین اوراق رأی (۲) چاپ و توزیع میشود.

اعلام نامزدی

در حوزه‌هایی که چهار نفر یا بیشتر به عضویت شورای جمهوری انتخاب میشود داوطلبان جزء يك لیست ملزمنند به فرمانداری اعلام نامزدی کنند. عده اشخاص جزء يك لیست نباید بیشتر یا کمتر از عده کرسیهای متعلق به حوزه مربوطه باشد. در اعلام نامزدی اسامی و تاریخ و محل تولد داوطلبان و ترتیب معرفی (۳) باید قید شود. هیچکس نمیتواند در چند لیست خود را داوطلب نمایندگی معرفی کند و نیز هیچکس نمیتواند در چند حوزه کاندیدا بشود. اعلام نامزدی نه تنها شامل انتخابات جمعی است بلکه در انتخابات فردی نیز داوطلبان ملزمنند نامزد بودن خود را به فرمانداری اعلام کنند.

کفایت اسنخر اچ و شمارش آراء و تشخیص انتخاب شدگان

در مرکز هر يك از حوزه‌های انتخاباتی هیئتی بریاست رئیس محکمه حقوقی و عضویت دو نفر قاضی با انتخاب رئیس کل محاکم استیناف و دو نفر از مسن ترین اعضای شورای ولایتی تشکیل میشود. هیئت مزبور کلیه رأی دهندگان را به چند دسته تقسیم میکند که هر يك از آن دسته‌ها باید لااقل صد نفر انتخاب کننده داشته باشد. هیئت مذکور رؤسای شعب را تعیین و کلیه مشکلات حاصله از انتخابات و همچنین اعتراضات رأی دهندگان را حل و فصل میکند. در حوزه‌هایی که چهار یا بیشتر نماینده انتخاب میشود انتخابات تناسبی است و تقسیم کرسیها بین احزاب سیاسی تابع همان مقرراتی است که در انتخابات مجلس ملی معمول میباشد. در حوزه‌هایی که کمتر از چهار نماینده انتخاب میشود برای انتخاب شدن اکثریت مطلق آراء مأخوذه و ربع آراء نبت شده در لیست رأی دهندگان ضروری است. در صورت عدم حصول اکثریت مذکور در فوق انتخاب اعضای شورای جمهوری تجدید میشود و در انتخابات ثانوی اکثریت نسبی

کافی است و در صورت تساوی آراء کمیکه سنش بیشتر است نماینده میشود. شمارش آراء بوسیله هیئت نظارت انتخابات بعمل آمده و نتیجه آن فی المجلس اعلام میشود. داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری حق دارند هنگام استخراج و شمارش آراء در جلسه انجمن نظارت انتخابات حضور بهر رسانند. انتخابات شورای جمهوری نیز در یکروز بعمل میآید.

در صورت فوت، استعفاء یا عدم تصویب اعتبارنامه یکی از نمایندگان حوزه ایکه چهار کرسی یا بیشتر در شورای جمهوری دارد از لیست مربوطه کمیکه اسم او بلافاصله پس از نام عضو متوفی و غیره ثبت شده باشد بنمایندگی معین میشود. چنانچه حوزه انتخاباتی کمتر از چهار کرسی در شورای جمهوری داشته باشد انتخاب جانشین نماینده متوفی، مستعفی یا نماینده ایکه اعتبارنامه او تصویب نشده است در ظرف دو ماه تجدید میشود.

فصل هفتم

مصونیت های پارلمانی (۱) - مقرری نمایندگان (۲) - رسیدگی با اعتبار نامه ها (۳)

مبحث اول

آزادی نطق و رأی - مصونیت از تعرض

اصولا نمایندگان پارلمان مانند اشخاص دیگر تابع قوانین و دادگاهها میباشند ولی برخلاف این اصل قوانین ممالک مختلف امتیازات خاصی برای اعضای مجالس قائل میشوند. منظور از اعطای این امتیازات آن است که نمایندگان ملت بتوانند در کمال آزادی و بدون هیچگونه خوف و نگرانی وظایف نمایندگی را انجام دهند. امتیازاتی که قوانین دول مختلف برای نمایندگان پارلمان قائل میشوند عبارت است از آزادی نطق و رأی (۴) و مصونیت از تعرض (۵). مواد ۲۱ و ۲۲ قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه دو اصل مذکور در فوق را بشرح زیر قبول و اعلام کرده است:

ماده ۲۱

« هیچیک از نمایندگان پارلمان را نمیتوان بعلمت نظریاتی که در حین انجام وظایف نمایندگی اظهار میدارند و رأیی که میدهند دستگیر و بازداشت نموده و مورد تعقیب و محاکمه قرار داد ».

با توجه باین اصل که در تمام ممالک دنیا معمول و مجری است نمایندگان با آزادی خلل ناپذیر میتوانند در جلسات عمومی مجالس و شعب (۶) و کمیسیونهای پارلمانی اظهاراتی نمایند و رأی دهند بقسمیکه مقامات رسمی و مأمورین دولت و اشخاص ثالث و مؤسسات و غیره نماینده ای را بواسطه نطقی که در پارلمان ایراد نموده و رأیی که داده است نه در دوره قانونگذاری و نه بعد از انقضای مدت نمایندگی مورد تعقیب جزائی و حقوقی قرار دهند مثلاً یکنفر نماینده با آزادی خلل ناپذیر مجاز است

indemnité parlementaire - ۲

irresponsabilité - ۴

bureau - ۶

immunités parlementaires - ۱

vérification des pouvoirs - ۳

inviolabilité - ۵

از پشت تریبون مجلس مردم را به شورش و انقلاب تحریک یا به وزراء و مأمورین دولت توهین کند یا راجع به مؤسسات بانکی و مؤسسات مالی و اقتصادی دیگر اظهارات خلاف واقع نموده باعث تزلزل اعتبار و تنزل قیمت سهام آنها گردد. بدیهی است عدم مسئولیت برای نطق ورأی مانع از این نیست که مجلس ملی و شورای جمهوری طبق نظامنامه های داخلی خود نمایندگانی را که به وزراء یا سایر مأمورین و اشخاص توهین میکنند یا آنها را تهدید نمایند و یا بوسایل دیگر باعث بی نظمی مجالس میگردند مورد مؤاخذه قرار دهند.

نمایندگان برای اظهاراتی که در خارج از مجالس مقننه میکنند و مطالبی که راجع بمسائل سیاسی و اقتصادی و غیره در روزنامه ها و مجلات و نشریات دیگر درج مینمایند مسئول میباشند زیرا در خارج از پارلمان نطق ایراد کردن و یا در مطبوعات مقاله نوشتن ناشی از انجام وظائف نمایندگی نبوده و بنابراین مشمول اصل عدم مسئولیت مقرر در ماده ۲۱ قانون اساسی نمیشود.

راجع به مصونیت از تعرض ماده ۲۲ قانون اساسی چنین مقرر میدارد:

« بجز مورد جرائم مشهوده هیچیک از نمایندگان پارلمان را نمیتوان در مدت وکالت با اتهام جنایت یا جنحه دستگیر و تعقیب نمود مگر با اجازه مجلسی که متهم عضویت آنرا دارد. حبس و تعقیب متهم بنا به تقاضای مجلسی که وی عضو آن است معلق میگردد.»

منظور از مصونیت از تعرض موضوع ماده فوق الذکر این است که مقامات مربوطه نتوانند بیپناه ارتکاب جنحه یا جنایت مخالفین خود را مورد تعقیب قرار داده بدینوسیله آنها را از پارلمان طرد کنند. ماده مورد استناد که مطابقت تام و کامل با قوانین سایر ممالک دارد شامل فقط جنایت و جنحه میباشد و نمایندگان را که مرتکب امور خلاف میشوند میتوان بدون اجازه مجلس مربوطه تعقیب نمود چه مجازاتی که برای امور خلاف مقرر گردیده است معمولاً عبارت از جریمه جزائی و چند روز حبس تکدیری بوده و بهیچوجه نمیتواند با انجام وظائف نمایندگی مبیانت داشته باشد.

نظر بماده ۲۲ قانون اساسی فرانسه مصونیت از تعرض شامل تمام دوره نمایندگی است و نه ایام اشتغال بدین معنی که اگر نماینده یکی از مجالس در ایام تعطیل پارلمان مرتکب جنایت یا جنحه بشود او را نمیتوان دستگیر و تعقیب نمود در صورتیکه بموجب قانون اساسی ۱۸۷۵ و قوانین قسمت اعظم ممالک کنونی دنیا